

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه حج (جلسه دوم)

جلسه خانوادگی - استاد اخوت ۹۴/۹/۲۵

هر کاری که می‌خواهید انجام دهید اولش بسم الله بگویید تا ابتر نماند.

ظاهراً هر کاری که می‌کنیم باید به دوامی کشیده شود. این حرف به ما یاد می‌دهد، بقای هر کاری که انجام می‌دهیم را اراده کنیم، هر چند جزئی باشد.

برای این که نشست مان جدی باشد و ابتر نباشد صلواتی عنایت فرمائید.

هر کاری که با الحمد لله شروع می‌شود ابتر نیست. این امر باعث افزایش روحیه ستایش می‌شود. به همین خاطر برای این که در این جلسه به مقام حمد دست پیدا کنیم صلوات بفرستید.

صلوات معادل اذکار آسمانی است. به جای حمد و تسبیح می‌توان صلوات فرستاد. این حرف اول و آخر ما بود.

\*\*\*

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ (۱)

وقتی جایی زلزله می‌آید انسان‌ها بدون این که از قدرت تفکر و داشته‌های خود استفاده کنند، همت و عمل را شروع می‌کنند.

خدا در این سوره مبارکه می‌خواهد ما عمل کنیم و به همین خاطر با زلزله شروع می‌کند.

حکایت زلزله، حکایت فعال شدن عزم و توجه به صورتی است که بلافاصله به عمل تبدیل شود تا از سستی و تنبلی دست برداریم.

آفت نوع بشر این است که حاضر نیست وضعیت خود را از آنچه هست تغییر دهد.

اگر این عزم شکوفا نشود، هیچکدام از عیب‌هایش را نمی‌تواند برطرف کند. اگر در یک عملیات ضربتی و دفعی نتواند خود را اصلاح نماید دیگر نمی‌تواند خود را اصلاح کند.

ترک یک صفت، تدریجی نیست. حضرت امام خمینی (ره) با هوش معنوی‌ای که داشتند این موضوع را از روایات یافتند.

مثل وقتی که زلزله می‌آید نمی‌گوییم حالا بگذار بفهمیم! حالا بذار... مرحله اول فهمیده، و دیگر مرحله دوم، مرحله سوم ندارد. همین که خطر را می‌بیند عکس‌العمل نشان می‌دهد و فرار می‌کند.

این امر با برنامه‌ریزی منافات ندارد.

اصرار بر گناهان صغیره خودش گناه کبیره است.

اگر نسبت به این بحث، تفکرمان را جمع و جور کنیم، به قول شهید آوینی، مثل کسی که در بالای آتش فشانی منزل می‌گزیند، مضطرانه زندگی می‌کند، اصلاً با آرامش و طمأنینه که حالا امروز و فردا می‌آید زندگی نمی‌کند، می‌شویم.

اطمینان به دنیا چیز خوبی نیست. هر لحظه ممکن است شرایط تغییر کرده و توفیق عمل از دستش برود. کتاب می‌خواهد بخواند زود بخواند و به تاخیر نیندازد. امکان دارد فردایی در کار نباشد.

در کار خوب ممکن است تدریج و استمرار وجود داشته باشد.

کمک به یک نفر می‌تواند باتدبیر باشد، یک‌دفعه کمک کردن... و به تدریج کمک کردن.

انسان‌های مختلفی در سوره مبارکه حج از آن‌ها یاد شده، تا قوه قصد و عزم انسان فعال گردد.

وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَ طَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ (۲۶)

وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (۲۷)

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يُذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَيْمَاتِهِ الْأَنْعَمَ فَكُلُوا مِنْهَا وَ اطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (۲۸)

کار منسک‌ها ایجاد عزم جدی است. مناسک عادت‌های قلبی انسان را تغییر می‌دهد زیرا در یک بازه زمانی، الگوی خاصی در زندگی انسان ایجاد می‌کند.

عام‌ترین حالت رحمت و وسیع‌ترین حالت رزق و ... از نظر اهل بیت علیهم السلام در حج است.

این که در بحث حج و زیارت قبر نبی صلی الله علیه و آله چه منافع نهفته است و چه قسمت می‌کنند نمی‌دانیم!

به دلایل مختلفی امکان دارد از منسکی محروم باشیم اما باید ساختار آن را بدانیم و منافع آن را بشناسیم. هر چه به طور طبیعی منافع منسکی را بدانیم، هر چند محروم باشیم می‌توانیم منافع آن را دریافت کنیم.

وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَيْمَتِهِ الْأَنْعَامِ فَإِنَّهَا كُفْرٌ كَبِيرٌ (۳۴)

در منسک چه اتفاقی می‌افتد؟

یک موقع در جامعه، در هر کوی و برزن می‌گردید آدمی پیدا کنید که بتوانید روی تشخیص او حساب باز کنید، مثل شرایط الان ما.

البته ما می‌گوییم جامعه اصطلاحاً یتیم است یعنی پدر بالای سرش نیست. سرپرست و پدر ظاهری دارد.

(پدر به کسی می‌گوییم که عهده‌دار ولایت است).

در قرآن به کسانی که می‌توان روی آنها حساب باز کرد، «مُحِبَّت» می‌گویند. (آیه ۳۵ ویژگی‌های محبت را بیان می‌کند).

ما باید به سمتی برویم که بشود به آدم‌ها اتکا کرد. این که در جامعه، چنین کسانی نباشند خوب نیست.

کار مناسک، پدرپروری است. بچه در منسک می‌آید پدر می‌شود، مادر می‌شود.

مقام پدر و مادر یکی است. الان می‌شود به او اتکا کرد.

قصد مناسک، مانور پدرپروری است.

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳۵)

## ویژگی‌های محبت:

۱. إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ

نسبت به ذکر خدا حساس است. همین که می‌فهمد ذکر خدا جای هست، سست می‌شود (ترس درونی).

وجلّت، بروز بیرونی هم دارد. جلوه‌های این ترس را در چهره او هم می‌توانی ببینی.

۲. وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ

نسبت به مصیبت‌ها پوست کلفت است. خداوند ضد می‌خواهد یعنی از یک طرف در برابر ذکر خدا حساس است از طرف دیگر در برابر مشکلات، محکم است (امیرالمومنین علیه السلام جمع اضداد هستند)

۳. مُقِيمِ الصَّلَاةِ

نه تنها خودش، نماز را اقامه و اجرا می‌کند که برای اقامه نماز طرح و فکر هم دارد.

فکر دارد که خانواده، محله و شهرش را نمازخوان بار بیاورد.

۴. يُنْفِقُونَ

شکافهای جامعه را تشخیص و با توجه به توان‌هایی که خدا داده، برای پر کردن شکاف‌ها سرمایه گذاری می‌کند.

اگر جامعه بخواهد به سمت فلاح برود بدون سرپرست نمی‌تواند؛ چون وقتی متولد می‌شود، طفل متولد می‌شود. نیاز به پدر ضروری است تا همیشه؛ چون همیشه عده‌ای جلوتر از او هستند و او یک پله پایین‌تر است.

ترتیب آیه مهم است. طهارتی پیدا می‌کند که به ذکر خدا حساس باشد، ظهور بیرونی داشته باشد.

اگر بحث مناسک را مطرح می‌کند می‌خواهد حضوری را به ما بفهماند که «وجلّت» در آن هست.

«وجلّت» با خشوع فرق دارد. شبیه آن در تلویزیون خیلی دیده شده، افرادی که پیش رهبری می‌روند حالت حرف زدن‌شان از حالت عادی خارج می‌شود. حالت ترس نیست؛ اما ابهتش او را می‌گیرد.

آیات از این به بعد خیلی جالب است. روی همین محورها سوار شده که ذکر در شما فعال شود.

صبر در شما فعال شود "إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا" توجه به این نکته انسان را به شدت در برابر سختی‌هایی که به او می‌رسد مقاوم می‌کند.

حتما امام محبت است اما جامعه به یک امام و تعداد زیادی محبت احتیاج دارد.. محبتین، شبکه اتصال به امام هستند. میتوانید بروید منسک، برنامه ریزی کنید و محبت شوید و برگردید.

سن رفتن به منسک مهم است نه آنقدر پایین که بهره‌ای از منسک نبرد و نه آنقدر بالا که مثل نماز قضا شود.

بین ۲۷ و ۲۸ تا ۴۴ و ۴۵ سالگی سن مناسبی است.

بعد از این سن دیگر نمی‌توان اسم فرد را به معنایی که گفته شد، پدر گذاشت!

اینکه در این جلسات، مرتب اصرار می‌کنیم برای رفتن به منسک، برای همین است تا افرادی که میل به حج در دلشان نیست یا نرفته‌اند، آرزو کنند و بخواهند و دلشان تکان بخورد.

الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمْتُ صَوَامِعَ وَ بِيَعٍ وَ صَلَوَاتٍ وَ مَسَاجِدٍ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۴۰)

ممکن است الان به دلیل حرف زدن درباره خدا، کسی ما را از شهرمان بیرون نکند و متعرض ما نشود؛ اما باید بدانیم کلمه توحید و لا اله الا الله اینقدر ارزش دارد که اگر بیرون‌تان هم کردند نگویید به خاطر حفظ جانم، لا اله الا الله نگوییم.

باید خدا را شکر کنی که وقتی از خدا و قرآن حرف می‌زنی از شهر بیرون نمی‌کنند؛ حالا مجانی کار کردن، از خواب خود زدن و ... که تبعات ناچیزی است.

ائمه علیهم السلام همه‌شان، بلا استثناء شهید شدند بعضی ۲۴ سالگی، بعضی ۲۹ سالگی و ... تعجب نمی‌کنی که یک امام در این سن شهید شده! این یعنی حضور موثر داشته‌است. همه عمرش را در زندان بوده اما شهیدش کردند چون فهمیدند یار داشته، با بیرون مکاتبه داشته‌است و ...

اهل بیت علیهم السلام هیچکدام برای دشمنان‌شان، آسایش نگذاشتند. سبک عملیات‌شان متفاوت بوده که خود این تفاوت هم برای ما نکات آموزنده‌ای دارد.

انسانی که محبت می‌شود، مقام فعلی پیدا می‌کند که آن مقام فعلش نیز خواستنی است.

اگر یک نفر آنقدر خداترس شود که در همه وجودش این خداترسی نمایان شود، برای شما قابل اتکاست. چون وقتی حرف می‌زند، منفعت شخصی را در نظر نمی‌گیرد؛ بلکه منفعت الهی را در نظر می‌گیرد و همین باعث ایجاد اعتماد به وی می‌شود.

اگر فهمیدیم کسی، ما را برای خدا می‌خواهد، این، خودش اطمینان‌آور است.

خیلی وقت‌ها پیش می‌آید تصمیماتی به خاطر ترس تغییر می‌کند که در این حالت مشورت با انسان‌های صابر منفعت دارد چون ترسش را تحمیل نمی‌کند. (انسان صابر کسی است که پشتکار، تحول و تحلیل دارد).

صبر، ویژگی اتکا است.

کسی که صبر نداشته باشد نقطه ضعف‌های خود را در مشورت ابراز می‌کند.

انسان صابر در انفاق، تشخیص اجتماعی قوی دارد و سوراخ‌ها و شکاف‌های اجتماعی را می‌شناسد. حفر شناس است.

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عِقَابُ الْأُمُورِ (۴۱)

آیه شدیداً اجتماعی است. مثل این که دارید به وسیله حج، رهبر تعیین می‌کنید.

آیات ۵۳ و ۵۴ هم همین حرف را به بیان دیگری تکرار می‌کند.

آدم وقتی قرآن می‌خواند، بعضی وقت‌ها بیچاره می‌شود. اگر نشد یعنی چیزی متوجه نشده است.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۲)

خداوند در این جا اشاره می‌کند که یکسری نبی و رسول فرستاده و بعد در آیه ۵۴ می‌گوید اغلب انبیاء علیهم السلام کشته شدند.

خدا رسول و نبی فرستاده که نوعاً هم، استهزاء، طرد، تکذیب و کشته شدند.

خداوند داستان انبیائی که کشته شدند را اینگونه عنوان می‌کند:

این انبیاء علیهم السلام آمدند، افق‌های خوبی داشتند، شیطان القاء کرد و چوب، لای چرخ این‌ها کرد.

خدا آنچه شیطان القاء کرد را نسخ نمود.

ظاهر آیه می‌گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله طرد شده اما از نظر خداوند آن که ناکام مانده شیطان است. خدا نظرش این است که شیطان نسخ شده یعنی نه تنها کاری پیش نرفته که حتی احکام آیات بیشتر هم شده است.

در سی که باید از این مطلب بگیریم چیست؟

به معرکه جهاد که وارد می‌شوی، از شهر بیرون می‌کنند، شکنجه‌ها می‌کنند و... همه این‌ها طبیعی است.

اما شیطان در مسیر حق تو هیچ القایی نمی‌تواند بکند و حرکت تو قوی‌تر می‌شود گرچه الان داری میروی زندان!!!!

و لِيَعْلَمَ الَّذِينَ آؤْتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آؤْمِنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۵۴)

تا ظرف وجود انسان چه باشد...

همان بلای پیامبر صلی الله علیه و آله می‌تواند برای تو فتنه شده و به ظلم و شقاق بعید تبدیل شود. (شقاق یعنی فاصله گرفتن از فطرت و انسانیت).

انسان همان موقع که شهادت ابا عبدالله علیه السلام را در کربلا می‌بیند، همان وقت می‌بیند که امام می‌فرماید: «أَنََّّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ»

بعضی آیات در قرآن، واقعا آدم را بیچاره می‌کند. این آیات بیانگر سر صبر جمیلی است که حضرت زینب سلام الله داشت.

این که این مصائب را می‌بیند و می‌تواند بگوید «مارایت الا جمیلا»، سرش آیه ۵۴ است.

کانه سوره حج، سوره جهاد است.

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ (۵۵)

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۵۶)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۵۷)

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۵۸)

لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ (۵۹)

ذَٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ عَفُورٌ (۶۰)

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۶۱)

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۶۲)

از مناط‌هایی که آیت الله بهجت ره در خواص آیات مطرح می‌کنند این است که آیاتی که دارای مضمون خاصی است، خواص آن مضمون را اعطا می‌کنند.

این آیات، آیات صبر پیدا کردن در مواجهه با مشکلاتی است که دیگران بر انسان تحمیل می‌کنند؛ در زمانی که انسان در مسیر خدا در حال انجام دادن کاری است.

اگر زندانی‌اش کردند، خانواده‌اش را شکنجه کردند و ... این آیات، بویژه آیات شریفه ۵۸ تا ۶۰ را بخواند.

این آیات، آیات توحیدی است و به ما صبر می‌دهد. همان موقع قدرت پیدا می‌کنیم.

این آیات را نگاه کنیم هم کفایت می‌کند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (۶۳)

حس این آیه، حس کسی است که در حال شکنجه شدن است و آن را می‌شنود.

حس در حال هجرت است.

این آدم، سختی‌های هجرت را دارد؛ خدا با او چگونه حرف می‌زند، او چگونه باید خدا را بخواند.



لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَنِي الْحَمِيدُ (٦٤)

داستان‌هایی که درباره مومنینی که شهید می‌شدند؛ می‌خوانند؛ می‌گویند آنها گریه می‌کردند. گریه آنها نه از ترس بلکه به دلیل خواندن این آیات بود.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّكُمْ لَتَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (٦٥)

وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ (٦٦)

همیشه از خیلی قبل، دلم می‌خواست بدانم امام حسین علیه السلام وقتی در صحنه کارزار هستند و می‌خواهند با مردم بجنگند در دلشان چه می‌گذرد و درباره مردم چه فکری می‌کنند.

این آیات را حضرت می‌خواندند؛ این‌ها حرف‌های نهفته امام در صحنه مبارزه است.

روبرویش شمشیر می‌آید؛ او قاعدتا باید بگوید: آخ، و به فکر فرار باشد و ... اما او اینطور نیست.

این آیات، پشت صحنه یک زندگی انقلابی را در حین مبارزه و در حین وارد آوردن ضربات نشان می‌دهد. شاهکار است.

این که قرآن معجزه است شکی نیست؛ اما آن آدم چقدر معجزه است که در آن لحظه‌ها یاد این موضوعات می‌افتد!

وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ (٦٦)

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُبَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٌ (٦٧)

وَإِنْ جَدَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (٦٨)

۶۸ منظور از جدال این نیست که دعوی لفظی با تو کردند بلکه یعنی با تو مقابله کردند.

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (٦٩)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (٧٠)

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ (٧١)

صحنه کارزار و طرف مقابل تان را نشان می دهد.

وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونُ بِالَّذِينَ يَثْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أ فَأَنْبِيئِكُمْ  
بَشَرٌ مِّنْ ذَالِكُمُ النَّارِ وَعَدَّهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ بئسَ الْمَصِيرُ (٧٢)

تصویرسازی این آیه را ببین. آنچه گفتیم برای شفاف می شود! خیلی آیه جالبی است.

ان شاء الله خداوند توفیق دهد از زندگی عافیت طلبانه و اسلام عافیت ، خارج و به اسلام هجرت و اسلام جهاد وارد شویم و حرکت کنیم.

«ربنا الله» گفتن، خیلی ارزش دارد.

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات